



کتاب الفقه



سلام



حضرتِ « مهدی » در قرآن:

جلسه بیستم و یکم – تیر ماه ۱۳۹۹

ادامه داستان

« اصحابِ کَهِف و رَقِیم »:

« در آیات: ۹ تا ۲۶ سوره کَهِف »



بخش اول

« آیه » هفتم:

هُوَ لَّا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ قَوْمُنَا،

اتَّخَذُوا مِن دُونِهِ آلِهَةً

.... (كهف/۱۵)

این قوم ما، غیر از «او» را معبود گرفته‌اند.

نکتہ اول:



چرا در این آیه می‌فرماید:

« قَوْمُنَا » و نفرمود: « هَؤُلَاءِ قَوْمٌ »

عبارتِ « قومنا »

« چهار بار » در قرآن آمده که عبارتند از:

قَالُوا: **يَا قَوْمَنَا إِنَّا سَمِعْنَا كِتَابًا** ^(۳۰) **يَا قَوْمَنَا أَجِيبُوا دَاعِيَ اللَّهِ وَآمِنُوا بِهِ** (أحقاف/۳۱)

وَقَدْ افْتَرَيْنَا عَلَى اللَّهِ كَذِبًا إِنْ عُدْنَا فِي مِلَّتِكُمْ بَعْدَ إِذْ نَجَّانَا اللَّهُ مِنْهَا
وَمَا يَكُونُ لَنَا أَنْ نَعُودَ فِيهَا إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ رَبُّنَا وَسِعَ رَبُّنَا كُلَّ شَيْءٍ عِلْمًا عَلَى اللَّهِ تَوَكَّلْنَا

رَبَّنَا افْتَحْ بَيْنَنَا وَبَيْنَ قَوْمِنَا بِالْحَقِّ ^۳ وَأَنْتَ خَيْرُ الْفَاتِحِينَ (أعراف/۸۹)

(حضرت شعیب فرمود) اگر بعد از آنکه خدا ما را از آن نجات داد (باز) به کیش شما برگردیم، به خدا دروغ بسته ایم پس مجاز نیست به آن برگردیم مگر آنکه خدای ما لازم ببیند زیرا خدای ما بر هر چیزی احاطه علمی دارد بر خدا توکل داریم. خدایا! میان ما و قوم ما به حق گشایشی فراهم کن که تو بهترین گشاینده ای.

¹⁰ **هُؤُلَاءِ قَوْمُنَا اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ آلِهَةً** (کهف/۱۵)

پس عبارت: « **قَوْمَنَا** »

همراه با « **تَأْسَف** » رؤوفانه‌ای است که

در « **برائت** »، چنین احساسی نیست.

(ایکاش « همکیشانِ » ما چنین انتخابی نمی‌کردند.)

A photograph of a window with light-colored sheer curtains. The window is divided into several panes. Outside the window, there are lush green trees and foliage. On the windowsill, there are several potted plants with bright red flowers. A teal banner with white text is overlaid on the bottom left of the image.

ادامه « آیه » ۷:

هُؤُلَاءِ قَوْمُنَا،

اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ آلِهَةً

.... (كهف/۱۵)

این قوم ما، غیر از «او» را معبود گرفته‌اند.

نکته دوم:



این آیه، قطعاً نوعی «**شکایت**» است،

اما از طرفِ «**کی**» و به «**چه مخاطبی**»؟

اگر به «**خدا**» بود نمی گفت: «**مِنْ دُونِهِ**» (دونک)

اگر با «**مردم**» بود، باید می گفت: «**أَنْتُمْ...**»

اگر¹⁵ به «**درباریان**» بود، باید می گفت: «**أَنْتُمْ...**»

نکتہ سوم:



إله و « آلهه » یعنی چه؟

« آلهه »،

علاوه بر « بُت‌ها »،

« افرادی » هستند که مردم آنها را

« ارباب » خود می‌پندارند:

لذا مرحوم آقای «**مشکینی**» می فرمایند:

این قوم ما، به جای خداوند،

معبودهایی بر گرفته‌اند. چرا برای (اثبات الوهیت) آنها،

«**حجّت و برهان روشنی**» نمی‌آورند؟

مثلاً، افرادِ « خودخواه »، تابعِ « نفسانیت » خویش‌اند:

أَرَأَيْتَ مَنْ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ؟!

أَفَأَنْتَ تَكُونُ عَلَيْهِ وَكِيلًا؟ (فرقان/۴۳)

آیا آنکه هوایِ (نفس) خود را « معبود » خود گرفته دیده‌ای؟

آیا (می‌توانی) ضامن او باشی؟

و یا فرعون که

– بعد از صحبت حضرت موسی علیه السلام – به درباریان گفت:

وَقَالَ فِرْعَوْنُ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ مَا عَلِمْتُ لَكُمْ مِنْ **إِلَهٍ غَيْرِي** ...

(قصص/۳۸)

ای بزرگان؛ جز خودم برای شما « الهی » نمی شناسم. (= من اربابم و باید مطیعم باشید).

فَقَالَ: **أَنَا رَبُّكُمْ الْأَعْلَى** (نازعات/۲۴) (او قبلا گفت: خدای بزرگتر شما منم).

نمونه دیگر برای **اثبات** اینکه

«**آله**»، «**افراد**» هستند:

أَمْ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ آلِهَةً،

قُلْ: هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ،

... (أنبياء/ ٢٤)

آیا غیر از «او» را (به عنوان) خدایانِ (خود) گرفته‌اند؟

بگو برهانتان را بیاورید. (منظور از **ه** کیست؟)

أَمْ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ آلِهَةً، قُلْ: هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ، **هذا** (؟)

ذِكْرُ مَنْ مَعِيَ وَذِكْرُ مَنْ قَبْلِي

بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ الْحَقَّ فَهُمْ مُعْرِضُونَ (أنبياء/ ٢٤)

اینست « یادِ هر که با من »؟ است

و « یادِ هر که قبل از من بوده »؟

(نه) بلکه بیشترشان حق را نمی‌شناسند و در نتیجه از آن رویگردانند.

پس طبق این آیه « ۲۴ سوره انبیاء »،

اولاً: « مِنْ دُونِهِ »،

« فردی » غیر از « مَنْ مَعِيَ » است،

ثانیا: « آلِهَةٌ »، هم به « خدایان دروغین »

و هم به « اوصیاء دروغین » گفته می شود.

A photograph of a window with light-colored sheer curtains. The window is divided into several panes. Outside the window, there are lush green trees and foliage. On the windowsill, there are several potted plants with bright red flowers. A teal banner with white text is overlaid on the bottom left of the image.

ادامه « آیه » ۷:

هُؤُلَاءِ قَوْمُنَا، اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ آلِهَةً

لَوْ لَا يَأْتُونَ عَلَيْهِمْ بِسُلْطَانٍ بَيْنِ

فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا

(کهف/۱۵)

این قوم ما غیر از او را معبودانی گرفته‌اند. چرا برای آنها برهانی آشکار نمی‌آورند؟
پس کیست ستمکارتر از آن فردی که به خدا دروغ بندد؟

نکتہ چہارم:



آیا مشرکین فلادلفیا،
«خدا» را قبول داشتند؟

قطعا « مردم فیلا دلفیا » در زمان « دقیانوس »،

همگی « بُت پرست » بودند

و کمترین اعتقادی به « خدا » نداشتند

و مسیحیان را

به جُرم « کفر به خدایان » می سوزاندند.

پس «إفتراء» یعنی چه؟

« **إفتري** »، « **دروغی** » است که

به « **شخص** » « **مورد قبول همه** » نسبت داده می‌شود.

و چون مردم زمان « **اصحاب رقیم** » هیچ اعتقادی به خدا نداشتند

پس این آیه ۱۵، اصلاً ربطی به « **اصحاب رقیم** » ندارد،

بلکه مربوط به زمان رسول اکرم صلی الله علیه و آله است که:

افراد³² به ظاهر « **معتقد به خدا** »، « **دروغی** » را به او نسبت داده‌اند:

پس:

فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا

(کهف/۱۵)

این افرادی که به خداوند دروغ می‌بندند، افرادی هستند که:

« ادّعا » دارند که « خدا » را قبول دارند اما به او دروغ می‌بندند:

وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا
أَوْ قَالَ: أَوْحَى إِلَيَّ وَلَمْ يُوحَ إِلَيْهِ شَيْءٌ ... (أنعام/۹۳)

و کیست ستمکارتر از آنکه بر خدا دروغ می‌بندد و بگوید به من (هم) وحی شده حال آنکه به او وحی نشده ...
پس چنین فردی، ابتدا « وجود خدا » را پذیرفته اما بعد « دروغی » را ادعا کرده.

وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ
وَهُوَ يُدْعَى إِلَى الْإِسْلَامِ ... (صف/۷)

و کیست ستمکارتر از آنکه به اسلام فراخوانده می‌شود اما او به خدا دروغ می‌بندد؟
این فرد هم که « خدا » را پذیرفته، « نبوت پیامبر او » را دروغ می‌شمارد.

وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا

أَوْ كَذَّبَ بِآيَاتِهِ... (أنعام/ ۲۱)

و کیست ستمکارتر از آنکه (با قبولِ خدا) به او دروغ بسته و آیاتش را تکذیب نموده؟

.... لِيُضِلَّ النَّاسَ بِغَيْرِ عِلْمٍ... (أنعام/ ۱۴۴)

... از آنکه با ادعای قبولی خدا، « مردم » را فریب می‌دهد.

.... أَوْ كَذَّبَ بِالْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُ... (عنكبوت/ ۶۸)

... از آنکه^{۳۵} با ادعای قبول خدا، به او دروغ بسته و حق آمده از نزد او را دروغ شمارد؟

پس: این عبارت:

هُؤُلَاءِ قَوْمُنَا اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ آلِهَةً

لَوْ لَا يَأْتُونَ عَلَيْهِمْ بِسُلْطَانٍ بَيْنِ

فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِباً (کهف/۱۵)

شکایت از مردمی است که به جای «فرد منتخب خدا»،
«فرد دیگری» را بدون هیچ دلیلی برای خود برگزیده‌اند:

مثلِ قومِ یهود که « علماء و نویسندگان » خود را

از طرفِ خدا، « ارباب » خود قرار دادند:

اتَّخَذُوا أَهْبَارَهُمْ وَرُهَبَانَهُمْ أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ

(توبه/۳۱)

آنها علماء و راهبان‌شان را به جای خدا، ارباب گرفتند و از آنها اطاعت کردند

نکتہ پنجم:



هُؤُلَاءِ قَوْمُنَا،

اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ آلِهَةً

لَوْ لَا يَأْتُونِ عَلَيْهِمْ بِسُلْطَانٍ بَيِّنٍ

....(كهف/۱۵)

این قوم ما غیر از او را معبودانی گرفته‌اند.
چرا برای آنها «برهانی» آشکار نمی‌آورند؟

« سلطان » یعنی چه؟

« سلطان »

« حجتِ غالب و برهانِ قاطع » است که

بر « دلایل دیگر »، « برتری و تسلط » دارد.

از منظر قرآن، شیطان بر بندگان الهی، تسلطی ندارد:

وَقَالَ الشَّيْطَانُ

وَمَا كَانَ لِيَ عَلَيْكُمْ مِنْ **سُلْطَانٍ** إِلَّا أَنْ دَعَوْتُكُمْ فَاسْتَجَبْتُمْ ... (إبراهيم/ ۲۲)

« **سلطان** » در قرآن، فقط با صفتِ « **مبین** و **مبیناً** » آمده،

یعنی: « حجتی چنان روشنگر » که « همهٔ مردم آنرا می‌فهمند. »:

وَ أَتَيْنَا مُوسَىٰ سُلْطَانًا مُّبِينًا * وَ لَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا وَ سُلْطَانٍ مُّبِينٍ
ثُمَّ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ وَ أَخَاهُ هَارُونَ بِآيَاتِنَا وَ سُلْطَانٍ مُّبِينٍ
وَ فِي مُوسَىٰ إِذْ أَرْسَلْنَاهُ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ بِسُلْطَانٍ مُّبِينٍ
أَوْ لِيَأْتِيَنِي بِسُلْطَانٍ مُّبِينٍ * أَمْ لَكُمْ سُلْطَانٌ مُّبِينٌ * فَآتُونَا بِسُلْطَانٍ مُّبِينٍ
وَ أَنْ لَا تَعْلُوا عَلَى اللَّهِ إِنِّي آتِيكُم بِسُلْطَانٍ مُّبِينٍ
أَمْ لَهُمْ سُلْمٌ يَسْتَمِعُونَ فِيهِ فَلْيَأْتِ مُسْتَمِعُهُمْ بِسُلْطَانٍ مُّبِينٍ
جَعَلْنَا لَكُمْ عَلَيْهِمْ سُلْطَانًا مُّبِينًا * أَ تُرِيدُونَ أَنْ تَجْعَلُوا لِلَّهِ عَلَيْكُمْ سُلْطَانًا مُّبِينًا

فقط در همین آیه « ۱۵ سوره کهف » است که

« **سلطان** » با صفتِ « **بَیِّن** » آمده است:

هُؤُلَاءِ قَوْمُنَا، اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ آلِهَةً

لَوْ لَا يَأْتُونِ عَلَيْهِمْ **بِسُلْطَانٍ بَیِّنٍ**.... (کهف/۱۵)

یعنی: « حجتی که **بَیِّنَه** را با خود دارد و خودش کافیست. »

پس: قَوْمُنَا، اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ آلِهَةً

لَوْ لَا يَأْتُونَ عَلَيْهِمْ بِسُلْطَانٍ بَيِّنٍ... (کهف/ ۱۵)

یعنی:

قوم ما با ادعای « خدا باوری »، افرادی را ارباب خود گرفته‌اند که « **بیّنه** » ندارند و اینها هم برای انتخابشان « **بیّنه** » ندارند پس « هر دو طرف » به « خدا »، « **إفتراء** » زده‌اند.

نکتہ ششم:



پس: قَوْمُنَا، اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ آلِهَةً

لَوْ لَا يَأْتُونَ عَلَيْهِمْ بِسُلْطَانٍ بَيِّنٍ

فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا (كهف/۱۵)

یعنی: آن «مقامی» که آنها برایش «انتخاب» شده‌اند،

«مقامی» است که باید از نزد خدا دلیل و «بیّنه» می‌داشتند

پس آن منتخبین، «غاصب» و ظالمترین «در افتراء به خدایند»^{۴۶}

نکتہ ہفتم:



پس: طبق بیان آیه: **أَفَمَنْ كَانَ عَلَىٰ بَيْنَةٍ مِنْ رَبِّهِ**
كَمَنْ زُيِّنَ لَهُ سُوءُ عَمَلِهِ وَاتَّبَعُوا أَهْوَاءَهُمْ؟ (محمد/۱۴)

« مرجع ضمیر **ه** » در عبارت:

قَوْمُنَا، اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ آلِهَةً

لَوْ لَا يَأْتُونَ عَلَيْهِمْ بِسُلْطَانٍ بَيِّنٍ ... (کهف/۱۵)

همان^{۴۴} « عزیزِی » است که در « غدیر » از خدا « بینه » گرفت.

با توجه به دو آیه:

أَفَمَنْ كَانَ عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِّن رَّبِّهِ

كَمَنْ زُيِّنَ لَهُ سُوءُ عَمَلِهِ وَاتَّبَعُوا أَهْوَاءَهُمْ؟ (۱۴)

وَالَّذِينَ اهْتَدَوْا زَادَهُمْ هُدًى وَآتَاهُمْ تَقْوَاهُمْ

(محمّد/۱۷) معلوم می شود که:

« أَصْحَابِ كَهْفٍ وَ رَقِیمِ »،

به خاطر داشتن همین « یَسَّنه »،

لایقِ « هدایت مضاعف » شدند:

نَحْنُ نَقُصُّ عَلَيْكَ نَبَأَهُمْ بِالْحَقِّ إِنَّهُمْ فِتْنَةٌ آمَنُوا بِرَبِّهِمْ

وَزِدْنَاهُمْ هُدًى (كهف/۱۳)



« آیه » هشتم:

وَإِذِ اعْتَزَلْتُمُوهُمْ وَ مَا يَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ

فَأَوُّوا إِلَى الْكَهْفِ

يَنْشُرْ لَكُمْ رَبُّكُمْ مِنْ رَحْمَتِهِ

وَيُهَيِّئْ لَكُمْ مِنْ أَمْرِكُمْ مِرْفَقًا (كهف/۱۶)

و چون از آنها و از آنچه که جز خدا می پرستند کناره گرفتید پس به كهف پناه ببرید
تا خدایتان از رحمتش بر شما بگستراند و برایتان در کارت‌ان گشایشی فراهم آورد.

سؤال:



۱- **اعْتَزَلْتُمْ:** یعنی چه؟

۲- **هُمْ:** چه افرادی هستند؟

۳- **إِلَّا اللَّهَ:** یعنی چه؟

۴- **فَأَوُّوا إِلَى الْكَهْفِ:** این «دستور» یا «الهام» از کیست؟

۵- **يَنْشُرْ لَكُمْ رَبُّكُمْ مِنْ رَحْمَتِهِ:** چه مرزدهای است؟

۶- **وَيُهَيِّئْ لَكُمْ مِنْ أَمْرِكُمْ:** چه ارتباطی با دعای آیه دوم دارد؟

۷- **مَرْفَقًا:** چه رابطه‌ای با «رفق»، «رفیق»، «مرفق» دارد؟



خدایا:

« اُنس و فهم ما را از قرآن و کلام اهل البیت »

روزافزون فرما

و در زمینه سازی ظهورِ آخرین حجتت سهیم کن

و افتخار در رکابش بودن را به ما عطا فرما.

اللَّهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ عَلَى رَسُوْلِكَ

